

احتمال گسترش همکاریها و تشکیل سازمان همکاریهای صادرکنندگان گاز

دکتر ناصر فرشادگیر

ابزارهای گسترش همکاریها میان هموندان
پیدایش سازمانی نوین در چارچوب اوپک و یا
خارج از سازمان به همراه دیگر
کشورها می باشد.

دکتر ناصر فرشادگیر
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گسترش همکاریهای اوپک با
صادرکنندگان گاز نه تنها باعث ایجاد نظم
در داد و ستد گاز هموندان اوپک می شود،
بلکه نمی تواند در افزایش جایگاه اوپک
در عرصه جهانی بازار نفت نیز موثر باشد.

سؤال: آیا امکان گسترش همکاریهای
گازی در اوپک وجود دارد؟
تعارضات و مشکلات درونی اوپک و
کاستیهای آن می تواند این سازمان را به
نهادی فاقد کارایی لازم تبدیل نماید و در
فرصه: به احتمال یکی از موفقترین

همکاری اعضای اوپک در بخش پالایش و پتروشیمی می تواند به تقویت مناسبات بین اعضای اوپک و افزایش انسجام این سازمان منتهی شود، و ثمرات اقتصادی بسیاری هم برای اعضا داشته باشد. البته تنظیم مقررات و قواعدی مثل نفت، برای مشارکت اعضای اوپک در صحنه جهانی صنایع پالایش و پتروشیمی و فرآورده های آن چندان قابل توصیه و عملی نیست. این صنایع به طور عمده در کنترل شرکتهای بزرگ بین المللی و کشورهای پیشرفته صنعتی است و اوپک نمی تواند در این بازار پس از رقابت به عنوان یک کارتل و یا سازمانی که سهم قابل توجهی از بازار را دارد، بر روند بازار تأثیر چندانی بگذارد. نکته دیگر این است که صادرات مواد اولیه پتروشیمی که خود مواد اولیه صنایع بعدی هستند، دلگرم کننده نیست. زیرا در آن صورت این کشورها نیاز به واردات محصولات خواهند داشت که از مواد اولیه صادراتی خودشان ساخته شده است.

گسترش همکاری و مبادله در زمینه خدمات، دانش فنی و منابع مالی و سرمایه گذاری نیز می تواند به عنوان انتخاب

صورت تداوم روند موجود، می توان مشکلات بیشتری را برای این سازمان پیش بینی کرد. تناقض در سیاست گذاریها به حدی بوده است که در سالهای گذشته، حتی برخی اعضای اوپک حاضر شده اند زبان هنگفتی را برای تضعیف رقیب خود بپذیرند.

یکی از دلایل عمده بروز چنین وضعیتی، اندک بودن زمینه های همکاری و اشتراک در سازمان است. اوپک سازمانی است که تنها وجه اشتراک اعضای آن صدور نفت است. بنابراین، یکی از مسائلی که می تواند به طور جدی مورد توجه اعضای سازمان اوپک قرار گیرد، افزایش زمینه های همکاری و یافتن و تقویت نقاط مشترک در زمینه مسایل اقتصادی و سیاسی است.

زمینه های بسیاری برای همکاری وجود دارد که می تواند در برنامه بلند مدت اوپک مورد توجه قرار بگیرد، به عنوان چند نمونه می توان به گسترش همکاریها و تدوین مناسبات در بخش پایین دستی صنایع پالایش و پتروشیمی، مبادله خدمات، دانش فنی و منابع مالی، و توجه به سایر منابع انرژی مانند گاز اشاره کرد.

دیگری برای اعضای اوپک مد نظر باشد. در صورت گسترش چنین روابطی بین اعضای اوپک بخش مهمی از نیازهای اعضا برطرف خواهد شد و علاوه بر آن وابستگی متقابل بین اعضای اوپک افزایش، و وابستگی این کشورها به شرکتهای چند ملیتی و مصرف کنندگان نفت کاهش خواهد یافت.

اما توجه به سایر منابع انرژی را می توان به عنوان میدان جدید برای فعالیت اوپک دانست؛ در این میان گاز طبیعی یک عامل کلیدی است.

در سالهای گذشته، گاز طبیعی در صحنه جهانی توجه کمتری را نسبت به نفت جلب کرده است. به طور عمده دلیل این امر، این بوده که مناطق مصرف گاز طبیعی در نزدیکی مناطق تولید قرار داشته اند، این خود ناشی از مشکلات فراروی صنعت گاز بخصوص مشکلات حمل و ذخیره سازی است. تاکنون هیچ بازار جهانی قابل توجهی برای گاز وجود نداشته است و مبادله گاز حداکثر در سطح منطقه ای و بلوکهای تجاری و سیاسی انجام شده است، اما این وضعیت در حال تغییر است. تولید داخلی در کشورها و مناطق مصرف کننده اصلی

(ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن) کاهش یافته و یا حداقل شتاب رشد مصرف بر سرعت رشد تولید فزونی یافته است و همچنین تولیدکنندگان نوین زاده شده اند.

در سالهای اخیر صحبت های زیادی از گاز طبیعی به میان آمده و این ماده اهمیتی فزاینده یافته است. جانشینی گاز به جای دیگر سوخت های فسیلی در بسیاری از نقاط جهان به عنوان یک انتخاب استراتژیک مورد توجه قرار گرفته است که این دلیل مزایای منحصر به فرد این حامل انرژی می باشد.

توجه روزافزون به مخاطراتی که محیط زیست بشر را به خطر انداخته است و نیاز به سوخت های سازگار با محیط زیست و متناسب با توسعه پایدار، گاز را در کانون توجه جهانی قرار داده است. گاز سوخت قرن جدید است؛ زیرا سوختی تمیز، سازگار با محیط زیست و ارزان برای توسعه پایدار است. در طی سه دهه گذشته رشد متوسط سالانه مصرف گاز در جهان ۲/۷ درصد بوده که در نتیجه سهم گاز در ترکیب انرژی، امروز به حدود ۲۰ درصد رسیده است. رشد تقاضا در کشورهای توسعه یافته در سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۵ به ۳/۹ درصد و در سال ۲۰۲۰ به ۳/۴ درصد

باشد و نیروگاه‌های گازسوز نقش مهمی در تأمین ظرفیتهای جدید الکتریسیته خواهند داشت. دلایل عمده این پیش‌بینیها و عامل گرایش به استفاده از گاز در تولید نیروی الکتریسیته، کارایی مناسب گاز و آلاینده‌های اندک آن نسبت به سایر سوخت‌های رایج است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان انتشار SO_2 ، NOX و CO_2 در نیروگاه‌ها با سوخت زغال سنگ به ترتیب ۱۷۲۰، ۱۰۰۰ و ۴۳۰۰۰۰۰ گرم برای تولید هر مگاوات برق در یک ساعت است؛ این ارقام برای نیروگاه‌هایی با سوخت‌های فسیلی (فرآورده‌های نفتی) به ترتیب ۱۷۲۰، ۸۱۰ و ۳۸۰۰۰۰۰ گرم برآورد شده‌اند. این در حالی است که نیروگاه‌های گازی هیچ مقداری از SO_2 منتشر نمی‌کنند و انتشار NOX و CO_2 نیز به ترتیب ۳۰۰ و ۲۴۰۰۰۰۰ گرم به ازای هر مگاوات در ساعت است.

به هر حال گاز به همراه برخی از منابع انرژی تجدیدپذیر، تنها منابعی هستند که می‌توانند سهم خود را در عرضه انرژی جهان افزایش دهند و سوخت‌های جامد، نفت و هسته‌ای سهم خود را از عرضه انرژی

خواهد رسید. این واقعیت نشان می‌دهد که گاز طبیعی از بالاترین رشد بین انرژی‌های مصرفی برخوردار خواهد بود و می‌توان گفت که رشد اقتصادی جهان نیازمند دسترسی کافی به گاز است.

مسئله دیگر بررسی مسایل اقتصادی گاز طبیعی است. از نظر اقتصادی گاز طبیعی سوخت کاملاً ارزانی است. از نظر بازدهی بیش از ۱۶ درصد بازدهی دارد. در حالی که در دسترس است و قیمت منطقی دارد و در کل یکی از ارزانتترین حامل‌های انرژی است. در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در زمینه فن‌آوری‌های پاکیزه صورت می‌گیرد و گاز طبیعی که نسبت به نفت و زغال سنگ آلودگی بسیار کمتری دارد، بخش عمده سرمایه‌گذاری‌ها را به خود اختصاص خواهد داد. طبق پیش‌بینی‌های موجود، طی ده سال آینده، تقاضا برای گاز طبیعی به بیش از دو برابر تقاضای کنونی نفت می‌رسد. یکی از مهمترین زمینه‌های رشد تقاضای گاز، صنعت برق است. انتظار می‌رود که طی ۱۰ الی ۲۰ سال آتی تقاضای برق حدود ۲-۱/۵ درصد در سال افزایش داشته

جهان کاهش خواهند داد. سهم نفت در تأمین انرژی جهان از حدود ۵۰ درصد در سال ۱۹۷۱ به حدود ۴۰/۵ درصد در اواسط دهه ۹۰ رسیده و تا سال ۲۰۱۰ از ۳۹/۷ درصد فراتر نخواهد بود.

در این شرایط کشورهای عضو اوپک و بخصوص آنها که در خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس واقع شده اند، می توانند جایگاه قابل توجهی در تأمین انرژی جهان در هزاره سوم داشته باشند. با توجه به اینکه انتظار می رود صادرکنندگان سنتی گاز طبیعی در آینده نتوانند پاسخگوی افزایش تقاضا در کشورهای اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای شرق و غرب اروپا باشند، صادرکنندگان خاورمیانه ای می توانند در نقش عرضه کنندگان مطمئن به کشورهای غربی (آمریکا و آسیا) ظاهر شده و به تنوع بخشیدن به مبادی عرضه گاز طبیعی کمک نمایند. گاز طبیعی این توان را دارد که به انرژی برتر جهان تبدیل شود. اعضای اوپک تاکنون سهمی متناسب با ذخایر خود نداشته اند. با گسترش امکان استفاده از گاز طبیعی فرصتی با ارزش در اختیار این کشورها قرار گرفته است و باید دید که چگونه از این

فرصت استفاده خواهند کرد. کشورهای عضو اوپک بیش از ۴۰ درصد از ذخایر جهانی گاز را در اختیار دارند و با توجه به مصارف داخلی اندک، آینده صادرات برای این کشور روشن است. دسترسی به منابع وسیع و فزاینده گاز با قیمت های رقابتی و قرار گرفتن کشورهای عضو اوپک در نزدیکی بازارهای اصلی، نقش مهمی را در رشد سریع استفاده از گاز ایفا می کند. اوپک، با نسبت های بالای رشد ذخایر طی سال های اخیر سهم خود را نسبت به ذخایر گاز جهان به ۴۴ درصد و یا ۶۰ تریلیون متر مکعب در سال ۱۹۹۸ افزایش داده است که دوسوم آن در ایران، قطر، عربستان و امارات واقع شده است. میانگین نسبت تولید به ذخایر گاز کشورهای اوپک در حدود ۱۶۰ سال در مقایسه با ۶۲ سال میانگین نسبت تولید به ذخایر کل جهان برآورد گردیده است. جدول شماره (۱) توزیع ذخایر گاز در برخی کشورهای عمده جهان را نشان می دهد که به خوبی می توان سهم اوپک را در این جدول مشاهده کرد.

با وجود این سهم اوپک در تجارت جهانی گاز متناسب با حجم ذخایر این

سازمان نیست. تجارت گاز طبیعی اوپک، ذخیره مشترکی هستند که از عظیم ترین تنها چهار درصد از مصرف کل گاز جهان را تشکیل می دهد که مهترین مشکل آن هزینه بالای انتقال است. به عنوان مثال، هزینه انتقال گاز طبیعی به صورت خط لوله در خشکی چهار برابر هزینه انتقال همان مقدار (دو مقیاس انرژی) از نفت می باشد، و به همین ترتیب انتقال گاز طبیعی مایع با کشتی دوازده برابر گرانتر از هزینه انتقال نفت با کشتیهای نفت کش برآورد گردیده است. علاوه بر این، توسعه تولید گاز و بخصوص ایجاد تأسیسات انتقال گاز از طریق خط لوله و یا از طریق مایع سازی نیازمند سرمایه گذاریهای قابل توجهی است. همچنین تجارت گاز طبیعی به انجام مذاکرات بلندمدت و روابط دو جانبه مناسب بستگی دارد، به طوری که یک قرارداد مبادله گاز طبیعی مایع شده ممکن است تا ۲۵ سال به طول بینجامد.

در چنین شرایطی ناهماهنگی بین تولید کنندگان گاز برای آنها زیانبار خواهد بود. هم اکنون در میان کشورهای اوپک در زمینه گاز، رقابت جانسین همکاری شده است. به عنوان نمونه ایران و قطر دارای

ذخیره مشترکی هستند که از عظیم ترین ذخایر گازی جهان به شمار می رود اما این دو کشور تاکنون هیچ سیاست مشترکی را پی نگرفته اند و به رقابت در بهره برداری باهم می پردازند که این وضعیت در نهایت می تواند به ضایع شدن بخشی از این موهبت خدادادی منجر شود. بازار گاز طبیعی هنوز مانند بازار نفت دارای مکانیسمی شفاف نیست. صنعت گاز در مقیاس بین المللی دارای موانعی است که عبارتند از حجم عظیم سرمایه مورد نیاز و مشکل تأمین مالی، عدم شفافیت قیمتها بخصوص در بازار تک محموله LNG، طولانی شدن مذاکرات، به ویژه در زمینه فرمول بندی قیمت و طرحهای خط لوله، موانع حقوقی و قانونی هر کشور و به عبارتی عدم تطابق قوانین کشورها، و بالاخره عدم هماهنگی میان عرضه کنندگان و بازار مصرف، به نظر می رسد که این موانع در صورت وجود یک سیستم هماهنگ کننده قابل رفع است و شاید بتوان با ایجاد اتحاد و سازمان دهی میان تولید کنندگان عمده بر این مشکل فایق شد.

در این شرایط کشورهای عضو اوپک

می‌توانند ابتکار عمل را به دست گرفته و با گسترش عملکرد اوپک، گاز طبیعی را نیز به این حیطة وارد کنند. در چنین شرایطی، بین این کشورها هم‌گرایی و اشتراک بیشتری ایجاد و بنیانهای سازمان اوپک مستحکم‌تر خواهد شد. به این ترتیب کشورهای اوپک می‌توانند جاذبه‌های بیشتری برای پیوستن دیگر تولیدکنندگان به اردوی اوپک فراهم نمایند. در صورت

اتخاذ چنین سیاستی ممکن است حتی برخی از صادرکنندگان که از صادرکنندگان عمده نفت نیستند به این سازمان بپیوندند.

گاز طبیعی می‌تواند به عنوان یک عامل تکمیل‌کننده - نه جایگزین - در سیاستهای اوپک در نظر گرفته شود. در این صورت منافع قابل توجهی نصیب اوپک خواهد شد که به برخی از این منافع اشاره می‌کنیم:

- توسعه گاز، نفت بیشتری را برای صادرات آزاد می‌سازد و مایعات گازی ارزشمندی که در نتیجه استخراج گاز حاصل می‌شوند و درآمدهای گوناگونی را نصیب تولیدکنندگان می‌سازد، زبانهای ناشی از

بازار نفت کوره سنگین با جایگزین شدن گاز طبیعی در نیروگاههای برق برای صادرکنندگان گاز اوپک جبران می‌شود، پیشرفت صنعت گاز به تواناییهای توسعه یافته ارزش بیشتری می‌بخشد، به ویژه با توجه به اینکه شمار فراوانی از امکانات، تواناییها و تأسیسات توسعه یافته برای تولید نفت به طور مشترک می‌توانند به صنعت گاز نیز یاری رسانند چرا که:

- طرحهای صادرات گاز توانمندی رونق بخشی بیشتری به فرصتهای بازرگانی پایین دستی می‌دهند؛

- انگیزه ای بنیانی برای بهره‌گیری از گاز طبیعی همانند کارایی بیشتر در نیروگاهها و در نقش یک سوخت با آلایندهی کمتر برای مصارف داخلی و منطقه ای افزایش می‌یابد؛

- تکنولوژیها و مهارتهای ناشی از گاز موجب پیدایش فرصتهای نوین شغلی می‌گردد؛

- گاز طبیعی افزون بر تأمین نیاز بخشهای گوناگون جامعه، به عنوان ماده اولیه صنایع پتروشیمی به رونق این صنعت نیز کمک می‌نمایند؛

۴. افزایش و رقابت در جریانهای

بالادستی؛

۵. تعریف روشن نقش بازیگران

صنعت گاز؛ و

۶. پیدایش یک نهاد هماهنگ کننده

و مستقل جهت تأمین اهداف استقلال رأی

در امر تصمیم گیری؛

اکنون که به باور بسیاری

از اندیشمندان کارشناس سازمانهای

بین المللی همچون میترانی و ژوزفناوی

عادت به همکاری در زمینه های کارکردی و

پیدایش سازمانهای کارکردی محلی،

منطقه ای یا تخصصی را در از میان برداشتن

تشنج و ایجاد هم گرایی و صلح ضرورت

جامعه جهانی می دانند، تأسیس یک

سازمان جدید در پیوند با گاز و یا در

چارچوب اوپک به مثابه یک «سازمان

کارکردی» حایز نقش اساسی در ایجاد

هم گرایی میان هموندان و جامعه جهانی

خواهد بود.

از آنجا که پیدایش و افزایش پرشتاب

سازمانهای اقتصادی بین المللی یکی از

ویژگیهای دوران پس از جنگ دوم جهانی

قرن بیستم بوده است - که به دلیل

- تأکید کارشناسان برجسته جهانی

در کنفرانس گاز کیش باور داشتند که با

توجه به نیاز ۱۳۰ میلیارد دلاری

سرمایه گذاری برای افزایش ظرفیت نفت در

کشورهای منطقه خاورمیانه، عرضه محدود

نفت، مشکلات زیست محیطی، ذخایر ۱۴۱

تریلیون متر مکعبی گاز جهان و غیره،

گرایش مصرف انرژی جهانی به سوی گاز

متوجه می باشد.

از سوی دیگر، یکی از شیوه های

اساسی چیره شدن بر موانع توسعه صنعت

گاز در کشورهای پیش صنعتی تشکیل

نهادی هماهنگ کننده یاد شده

است. اندیشوران چنین بازگو می کنند که از

اساسی ترین موانعی که باید برطرف گردد

عبارتند از:

۱. جذب سرمایه گذاری بین المللی

از بخش خصوصی و دولتی، به ویژه با

مشارکت و تضمین بانک جهانی؛

۲. تدوین چارچوبهای قانونی در کشورهای

دارنده کانسارهای طبیعی گاز؛

۳. تصریح و آشکار نمودن حقوق و

تعهدات بنیانی سرمایه گذاران برای

افزایش اطمینان؛

پیشرفتهای فنی و علمی به وجود آمده اند. پیدایش سازمان صادرکنندگان گاز چندان شگفت انگیز نمی باشد. شاهد گواه اینکه در سپتامبر ۱۹۹۴ در سنگاپور نیاز به اجرای «مرکز گاز آسیایی» یاد آور شده و پی گیرندگان این اندیشه در پی از میان بردن موانع حقوقی و اجرایی آن می باشند. در پایان یاد آور می شویم که افزودن فعالیت صدور، تولید گاز طبیعی به محدوده عملکرد اوپک، نیازمند ایجاد اصلاحات ساختاری، حقوقی اجرایی و غیره می باشد. با در نظر گرفتن گمانه تداوم ساز و کارهای کنونی، تشکیل اتحادیه گاز در کنار یک سازمان یا اتحادیه نفتی شدنی نمی باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

نفت حداقل برای دو دهه آینده اهمیت خود را به عنوان اصلی ترین منبع انرژی جهان حفظ خواهد کرد و تقاضای نفت اوپک به دلیل داشتن ذخایر بالا و همچنین کاهش عرضه نفت کشورهای تولید کننده غیر اوپک افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، اوپک حداقل برای مدت ذکر شده می تواند نقش تعیین کننده ای در

بازار جهانی نفت داشته باشد. اما همان طور که ذکر شد، این نقش به سادگی قابل حصول نمی باشد و مستلزم همکاریهای گسترده و همه جانبه اعضا اوپک است؛ یعنی در این صورت اوپک می تواند قدرت سال ۱۹۷۰ را دوباره به دست آورد و ادامه روند موجود مشکلات عدیده ای را پیش روی اوپک قرار خواهد داد؛ نظیر، خروج بعضی از اعضا انحلال سازمان فعلی، منفعل تر شدن در بازار نفت و همچنان عرضه کننده نهایی نفت بودن. لیکن همان طور که گفته شد، برخی از مشکلات از بدو تأسیس به همراه اوپک بوده اند و ساختاری می باشند؛ نظیر، اساسنامه اوپک، که در همان زمان نیز متناسب با نیازهای اعضا نبود و منافع آنها را تأمین نمی کرد، و عدم تجانس کشورهای تشکیل دهنده آن، به لحاظ ساختار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و موقعیت ژئوپلیتیک و این تفاوتها و انگیزه های مختلف اعضا می تواند موجبات انحلال آن را فراهم نماید و با وجود عوامل امیدوار کننده بازار، اوپک با وضعیت فعلی نمی تواند منافع اعضای خود را تأمین کند و به اهداف خود دست یابد.

دیگری بازگشت نظم و انضباط مراحل سازمان اوپک بود.

اگر اوپک به همین عنوان پیش برود نتیجه اش چند قطبی شدن این سازمان است و زمینه های وقوع این کار در اوپک بسیار مناسب است. به عنوان مثال اعضای کوچکتر اوپک که می دانند ذخایر چندانی ندارند همواره در پی استفاده از فرصتهای مناسب ایجاد شده در بازار هستند تا حداکثر درآمد را برای خود کسب نمایند و خود را ملزم به رعایت مقررات موجود در اوپک نمی دانند. آنها این مقررات را مانع خود می دانند که باعث خواهد شد بعضی از آنها از اوپک خارج شوند و در مقابل اینها اعضای بزرگ اصلی هستند که به دلیل داشتن ذخایر با عمر طولانی تر چشم به آینده و تقاضای آینده و سهم باز دارند و خواستار ایجاد نظم در بازار جهانی نفت هستند و به دلیل این تعارض، اوپک در آینده های نزدیک تنها اعضای اصلی خود یعنی عربستان، ایران، کویت، عراق و امارات متحده عربی را خواهد داشت.

بحثهای فوق همگی به این دلیل مطرح هستند که تنها وجه اشتراک اعضای

اوپک از جنبه های مختلف دارای اعضای نامتجانس است که یکی از این عدم تجانسها در میزان ذخایر و منابع تولید می باشد و در این میان عربستان با داشتن بالاترین میزان ذخایر و توان تولید نسبت به دیگر اعضای سازمان از قوانین موجود در اوپک ناراضی است؛ زیرا با این چارچوب فعلی نمی تواند به اهدافش دست یابد. این کشور همواره نقش تولید کننده شناور را داشته و به همین دلیل از منابع ایجاد شده در بازار جهانی محروم مانده است و آن نظمی را که خواستار بوده در بازار نفت نتوانسته ایجاد کند و از اینکه مانند دیگر اعضا دارای حق رأی مساوی است، ناراضی بوده و به طرق مختلف درصدد کسب منافع از دست رفته خود بوده است. از جمله روشهایی که این کشور در پیش گرفته بود سهم عادلانه بازار، تعیین قیمت به روش Netback و منفعل نشان دادن اوپک بوده است و موضوع تشکیل سازمان جدید را نیز به این دلیل مطرح نمود. این سازمان، اگرچه تشکیل نشد، دو اثر مهم از خود برجای گذاشت که یکی تشکیل هسته تصمیم گیری عربستان، ونزوئلا و مکزیک و

اوپک صدور نفت است و خود این نقطه اشتراک هم تحت الشعاع اختلافات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اعضا قرار دارد. بنابراین، نتیجه ای که می توان از این بحثها گرفت این است که اعضای اوپک باید زمینه های همکاری و نقاط مشترک خود را افزایش داده و تقویت نمایند، این زمینه ها می تواند هم در زمینه سیاسی و هم در زمینه اقتصادی باشد. یکی از زمینه های مهم همکاری که نام برده شد، در زمینه صادرات گاز می باشد اما - همان گونه که بحث شد - انجام آن به چند دلیل به سادگی شرایط و مقررات صادرات نفت خام نخواهد بود؛ بدین ترتیب که گاز تاکنون بازار قابل توجهی در سطح جهانی نداشته است و مبادله آن حداکثر در سطح منطقه ای بوده است، توسعه تولید گاز و بخصوص ایجاد تأسیسات انتقال گاز از طریق خط لوله و یا از طریق مایع سازی نیازمند سرمایه گذاریهای قابل توجهی است، قیمت های گاز شفاف نیست، به ویژه در مورد بازار تک محموله LNG، مدت زمان مذاکرات طولانی است، بخصوص در زمینه فرمول بندی قیمت و طرح های خطوط لوله، موانع حقوقی و قانونی کشورهای

مختلف و غیره. علاوه بر اینها، مسئله مهمتر این است که بزرگترین دارنده ذخایر نفت اوپک و جهان - عربستان - ذخایر مستقل گازی بسیاری کمی دارد، بنابراین همکاری مناسب را در این زمینه با اعضای دیگر نخواهد داشت، و کشورهای دیگر نظیر ایران و قطر که دارای ذخایر نفتی هستند به جای همکاری، در حال رقابت هستند. حال اگر اعضای اوپک بتوانند این موانع را با ایجاد اتحاد و سازمان دهی میان تولید کنندگان عمده بر طرف نمایند هم گرایی بیشتری بین آنها ایجاد خواهد شد.

جدول ۱. ذخایر گاز جهان (بر حسب tctf)

کشور	ذخایر اثبات شده	سهم از کل (درصد)
کشورهای عضو اوپک:	۲۰۱۵,۹	۴۰,۴۷
ایران	۷۴۱,۶	۱۴,۸۹
قطر	۲۵۰,۰	۵,۰۲
امارات متحده عربی	۱۸۸,۴	۳,۷۸
عربستان سعودی	۱۸۵,۴	۳,۷۲
ونزوئلا	۱۳۰,۴	۲,۶۲
الجزایر	۱۲۸,۰	۲,۵۷
نیجریه	۱۲۰,۰	۲,۴۱
عراق	۱۰۹,۵	۲,۲
اندونزی	۶۴,۴	۱,۲۹
کویت	۵۲,۴	۱,۰۵
لیبی	۴۵,۸	۰,۹۲
غیر اوپک:	۲۹۶۴,۴	۵۹,۵۳
شوروی سابق	۱۹۷۷,۰	۳۹,۷
ایالات متحده	۱۶۲,۴	۳,۲۶
کانادا	۷۹,۲	۱,۵۹
نروژ	۷۰,۹	۱,۴۲
مکزیک	۶۹,۷	۱,۴
مالزی	۶۸,۰	۱,۳۷
هلند	۶۶,۲	۱,۳۳
چین	۵۹,۰	۱,۱۸
کل جهان	۴۹۸۰,۳	۱۰۰,۰

منبع:

Amir Badakhshan, "Environment Constraints and their Impact on Energy Options in the 21st Century," PERSIAN GULF GAS RESOURCE Conference, Tehran, 7-8 November 1999.